

«آن شائک هو الابر»

عنوان بحث: «آن شائک»: مصادیق عداوت با مقام شامخ نبوت (ص)

الف: انانیت و اختصاص طلبی

دشمن هر چیزی درواقع نیروی ضد، مخالف و متباین آن است که با آن امر قابل جمع نیست و وجود یکی به معنی سلب دیگری است.

بر این اساس برای شناخت دشمنان پیغمبر باید ابتدا حقیقت وجود پیامبر اسلام (ص) شناخته شود.

در باب حقیقت وجود پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) گفته شد که آن وجود مقدس مظهر جمیع مظاهر حیات و هستی است. و درواقع آینه دار همه کمالاتی است که از ذات واجب تعالی به ظهور می رسد.

حضرت امام رحمه علیه در بیان مقام شامخ نبی اکرم اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) می فرمایند: «در ذوق عرفانی رابط فیض مقدس و وجود منبسط است که مقام برزخیت کبری و وسطیت عظمی را دارد و آن بعینه مقام روحانیت و ولایت رسول ختمی مرتبت که متحد با مقام ولایت مطلقه علویه است می باشد. وجود منبسطی که مظهر رحمت فراگیر رحمانیه و رحیمیه خداست.»^۱

«کاف» خطاب در این عبارت اشاره به این وجود مقدس است که رحمه للعالمین است. بنابراین دشمن این وجود منبسط و رحمت واسعه و فراگیر که با آن در تعارض و تقابل قرار می گیرد همان انانیت و اختصاص طلبی است که راه شیطانی است.

چنانکه حضرت امام رحمه الله می فرمایند: «اگر کسی با قدم انانیت خود بی تمسک به ولایت آنان بخواهد این راه را طی کند، سلوک او الی الشیطان و الی الهاویه است.»^۲ و می دانیم که: «ان الشیطان للانسان عدو مبين»^۳ این شیطان است که عدو و دشمن حقیقت انسانیت است.

ب: حب دنیا :

«ان شائنک» را می توانیم تعارض و دشمنی دنیا نسبت به آخرت در نظر بگیریم. «ان الدنيا و الاخره عدوان متفاوتان فمن احب الدنيا و تولاها أبغض الاخرة و عاداها»^۴

البته منظور از دنیا، دنیا مذموم به معنی تعلقات است. نه دنیای ممدوح که به مصداق «الدنيا مزرعة الآخرة»^۵ منزلی از منازل وجود و بذر آخرت و منشاء همه خیرات و برکات منازل دیگر وجود است حرکت به سوی آخرت انسان را از تعلقات دنیا دور می کند و به عکس .

بنابر آنچه گفته شد دشمنان پیامبر (صلی الله علیه و اله وسلم) دنیاداران و دلدادگان به تعلقات آن هستند. چه کسانی که به حسب ظاهر متمکن هستند و چه آنانکه متمکن نبوده، ولی حب دنیا را در قلب خود می پرورانند و بدین سان به آخرت و حیات جاودانه آن دشمنی می ورزند.

ج: کفار قریش :

یکی از مصادیق، دشمنی هایی است که سران قریش و دشمنان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) در طول تاریخ اسلام به ظهور رساندند .

د: غرایز حیوانی :

تعارض راه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله وسلم) که راه فضائل انسانی محسوب می شود با غرایز و شهوات حیوانی از دیگر مصادیق این عداوت است

و به طور کلی باید برای «انّ شانئک» قابلیت در نظر گرفت که بتواند همه این مصادیق را دربرگیرد.

ه: خود انسان:

باتوجه به این که دشمن انسان در مقابل حرکت عروجی او مقاومت می کند از این رو انسان خودش هم می تواند دشمن خود باشد.

در این جا انسان معنای شاملی است که با در نظر گرفتن حقیقت وجودی و هویتش غیر متعین است و حتی می تواند ماهیت شیطانی به خود گرفته، جزء شیاطین انسی شود و بدین سان دشمن انسانیت خود و حقیقت خود باشد و از طرفی می تواند در راه انبیاء الهی قدم برداشته با طی طریق انسانیت و سلوک الی ... دشمن شیطان باشد.

در هر حال انسان می تواند در مبارزه میان حق و باطل در هر جبهه ای قرار بگیرد ولی اگر در جبهه باطل واقع شود به دشمنی با حقیقت خود پرداخته است. «و من عمل صالحا فلنفسه و من اساء علیها»^۶

پی نوشت:

۱ و ۲) آداب الصلاه، امام خمینی، ص ۱۳۵

۳) سوره یوسف، آیه ۵

۴) نهج البلاغه، ح ۱۰۳

۵) میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۸۵

۶) سوره فصلت، آیه ۴۱

عنوان بحث: هو الابر: معنا و مصاديق

ابر به معناى: دم بريده و مقطوع النسل بيانگر نهايت محروميت است و به تمتعات اهل دنيا اشاره دارد كه موقتى است و با خروج از دار دنيا چيزى از آن باقى نمانده همگى از دست مى رود. «ان الدنيا ليست بدار القرار و لا محل الاقامه»^۱

اطلاق «ابر» بر دشمنان پيامبر (صلى الله عليه و اله وسلم) از آن روست كه ايشان در محدوده امكانات و فرصت دنيا قدرت اعمال كينه توزى دارند.

«ان للحق دوله و للباطل جوله»^۲ يعنى، براى باطل دورانى است كه مى تواند جولانى بدهد ولى قوام و استقرار از آن حق است.

چنان كه فرصتى هم به شيطان داده شده است تا روز برانگيخته شدن است يعنى، فرصتش محدود به فرصت زندگى دنياست تا برپايى قيامت. «رب انظرنى الى يوم يبعثون»^۳

از اين نظر بهره مندى دشمنان پيامبر (صلى الله عليه و اله وسلم) كه دشمنان اندیشه و مرام پيامبر (صلى الله عليه و اله وسلم) و حقيقت وجودى آن حضرت (صلى الله عليه و اله وسلم) هستند ادامه دار نيست. و زمانش سپرى مى گردد و اين وعده حتمى است كه استقرار حكومت الهى پايبنده است.^۴

مصادق تاريخى اين تعبير، محدوديت دوران سلطه دشمنان پيامبر (صلى الله عليه و اله وسلم) بر خانه خدا و مكه مكرمه بود كه با وقوع فتح مابين اين دوران به سر آمده.

از ديگر مصاديق ابر: بطلان اندیشه ها و طرح هاى شيطاني دشمنان اسلام (طريق بت پرستى) در مقابل آئين توحيدى پيامبر اسلام (صلى الله عليه و اله وسلم) بود.

می توان فناپذیری تمتعات دنیوی ایشان و محرومیت از تمتعات جاودانه آخرت را از مصادیق ابتر بودن دین ستیزان دانست. چنانکه تجسم اخروی «ابتر» در عالم عقبی در قالب محرومیت عظیم تجسم می یابد که جهنمیان بدان گرفتارند. «مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هِمَّتَهُ اشْتَدَّتْ حَسْرَتُهُ عِنْدَ فِرَاقِهَا»^۵

پی نوشت:

(۱) میزان الحکمه، ج ۳، ص ۳۳۴

(۲) اصول کافی، ج ۲، ص ۴۴۷

(۳) سوره اعراف، آیه ۱۴

(۴) سوره قصص، آیه ۵

(۵) میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۹۷